

میرعلی هروی

(۲)

در باره کیفیت شاعری وی، میرعلی شیر نوائی گوید: «طبعش در نظم ترکی و فارسی خوبست، اما بیشتر از آنکه شعر خود را بخواند، تعریف می کند.»

میرعلی معنائی نیز بود و صاحب گلستان هنر گوید: «مولانا شعر و معما بسیار دارد و تمامی آنها در تذکره الشعراء ایراد یافته است.» (۱) و بعضی اشعار فارسی و ترکی و معنیات او در گلستان هنر آورده است از جمله قطعه ذیلست که متناسب مقال میباشد:

پنج چیز است که تاجم نگر در درخت

هست خطاط شدن نزد خردمند محال

دقت طبع و وقوفی ز خط و خوبی دست

رتال طاق و محنت و اسباب کتابت بکمال

و رازین پنج، یکی راست قصوری حاصل

ندهد فایده، گر سعی نمائی صد سال

و این رباعی او که متداول نیست و جزو مجموعه آنای دکتر اصغر

مهدوی می باشد و بآب زر بقلم سه دانگ نوشته است نیز نقل میشود:

«لکاتبه»

بی زلف و رخت زار و پریشان حالم

شب تا سحر از محنت هجران نالم

دردا که غم عشق تو ای تازه جوان

رسوای جهان کرد به پیران سالم

«الفقیر میرعلی»

(۱) این تذکره الشعراء صاحب گلستان هنر، متأسفانه مفقود است.

نشر میرعلی شیواست و او را جزو منشیان محسوب داشته‌اند. يك مکتوب که عین آن قبلاً نقل شد، شاهدهی صادق بر این مدعاست. از آثار منشور وی رساله «مداد الخطوط» در آداب خوشنویسی است و در مقدمه آن آمده است:

«قبل از این در قواعد خطوط، سلطان الخطاطین سلطان علی مشهدی طیب الله مشهده، نسخه صراط الخط را نظم کرده بود و مایحتاج آنرا به نوعی که از استادان شنیده بود بنظم آورده. اگرچه میل طبع موزون بنظم بیشتر است؛ اما مبتدی را در یافتن سخن نشر نفع و فایده از آن زیادتر است. بنا بر آن حقیر فقیر میرعلی هر وی در نشر نیز ورقی چند ساخته و سطرهای آن در قوانین خطوط و قواعد مضبوط که هیچ يك از استادان پیرامون آن نگشته‌اند پرداخته. ... نام او را مداد الخطوط مناسب نمود»

تاریخ تالیف این رساله بعد از سال ۹۲۶ یعنی تاریخ وفات سلطان علی مشهدی است و شاید آنرا در بخارا تالیف کرده باشد. این رساله متداول و بچاپ نیز رسیده است.

صاحب تذکره «صنعتگران و خوشنویسان هرات» ویرا در علم عروض سرآمد دانسته و گوید که چندین خط متداول آن عصر را خوب می‌نوشت؛ که نه جز او کسی متعرض این هنر اوست و قه تا کنون سطرهای جز خط نستعلیق از میرعلی هر وی دیده‌ایم.

صاحب «خطر خطاطان» ترکی و «پیدایش خط و خطاطان» و به تبعیت آندو صاحب «صنعتگران و خوشنویسان هرات» را شبیهتی افتاده و میرمحمد باقر را پدر میرعلی دانسته‌اند، در حالیکه محمد باقر مزبور فرزند میرعلی است و غالب تذکره نویسان از جمله صاحب «مناقب هنروران» او را فرزند میرعلی دانسته‌اند و یکی از قطعات مرقع گلشن بخط خود میرعلی چنین رقم دارد:

«حرره العبد الفقیر المذنب علی الکاتب ستر الله عیوبه، جهت مشق محمد باقر، فی شهر سنه ۹۳۳» و در قطعه‌ای دیگر بخط او چنین رقم شده است:

«تمت علی يد العبد الفقیر المذنب علی الحسینی الکاتب فی شهر سنه اثنی وثلثین و تسعمائة. بهر فرزند خردمند محمد باقر.»

صاحب مناقب هنروران استادان ذیل را از شاگردان میرعلی دانسته است:

میر محمد باقر (فرزند میر علی) - خواجه محمود شهابی سیاهشانی -
 سید احمد مشهدی - میر حسین کلنگی بخاری - عبدالخالق باخرزی - میر
 جدر حسینی تبریزی - مالک دیلمی - معین الدین محمد شریفی - میر محمد
 - معصوم - میر محمد سمرقندی - حاجی میرک بخاری (محمد امین) - میر دوری
 - محمد حسین کشیری - سلطان محمود بخاری - حمدالله خلخالی - قاسم
 علی - پیر محمد - اسمعیل - میر چلمه .

که از این عده مالک دیلمی و حمدالله خلخالی را گوید شاگرد با
 واسطه او بوده اند .

قدمای مورخین ذکر کرده اند که با همه شهرت و اهمیت و بزرگواری
 میر علی در زمان خود مخالفینی هم داشته است و نام محمد قاسم شادیشاه و
 محمود بن اسحق شهابی شاگرد ویرا در این باب ذکر و از هر یک داستانی نقل
 کرده اند ، که تفصیل آن جساتها در ترجمه احوال هر یک از این دو خواهد
 آمد .



غالب تذکره نویسان و خط شناسان متقدم ، خط میر علی را با سلطان
 علی مشهدی سنجیده اند و معدودی خط سلطان علی را بر میر علی و برخی
 خط میر علی را بر سلطان علی و بعضی از بعض جهات خط یکی را بر دیگری
 برتری نهاده اند .

آنچه اکثریت درباره مایه و شیوه خط میر علی متفقند اینست که در
 قوت دست و رعایت اسلوب و متانت و رعایت و صفا و استحکام و همواری و
 تیزی ، میر علی تا زمان خود بی همتا بوده است و گویند که در جمیع شئون
 خوشنویسی نستعلیق ، از جلی و خفی و کتابت و کتیبه نگاری عمارات ، بدرجه
 اعلی و مرتبه قصوی رسیده است .

صاحب تذکره بی نام وی را در خط نستعلیق « اعجوبه زمان » و صاحب
 حبیب السیر « سر آمد خوشنویسان » دانسته اند و صاحب قواعد خطوط
 گوید که « این شیوه کنون ختم برین میر علی است » و صاحب مرآت العالم
 گوید که « سردفتر خوشنویسان آفاق شده و درین فن یگانه و طاق گردیده
 است » .

ولی جای شگفتی است که همانها که ویرا باین درجه از استادی بالا
 برده اند ، بعضی نتوانسته اند که مزیت ویرا بر سلطان علی صریحاً اظهار
 کنند . مثلاً صاحب گلستان هنر که خود از خط و خط شناسی بی بهره نبوده

است گوید: «در خط گوی سبقت و تفوق از همه ربوده، چه در اسلوب این خط واضح قاعده جدید و ضابطه سدید است؛ اما بمولانا سلطانعلی نمی رسد... هم جلی و هم خفی و هم قطعه نویسی و هم کتابت را بدرجه اعلی و مرتبه قصوی رسانید و آخر خط را بر طاق بلند نهاد که دست هیچ خطاطی بدان نمی رسد.»

آنچه نگارنده از مطالعه و مطابقه و مذاقه در خطوط فراوان این هر دو خوشنویس دریافته است اینکه، نه فقط خط میرعلی از جهات کلی بر خط سلطانعلی مشهدی بمراتب مزیت و رجحان دارد، بلکه از آغاز وضع خط نستعلیق تا زمان میرعلی، و بعد از آن از زمان میرعلی تا ظهور میرعماد، هیچ يك از خوشنویسان نستعلیق قابل برابری و هم سری با میرعلی نیستند، مخصوصا در کتابت و فقط تا زمان میرعماد سیفی میتوان خط کتابت چند تن معبود، از جمله شاه محمود نیشابوری و سید احمد مشهدی و میر معزالدین کاشانی و بابا شاه اصفهانی را با کتابت میرعلی مقابله داد و بس و جایی که بزرگترین خوشنویس ایران و استاد مسلم فرد نستعلیق میرعماد، درباره خط میرعلی می فرماید که:

«از خوشنویسان سرآمد مولانا میرعلی است که قلم نسخ بر خط استادان کشیده و خط را بجائی رسانیده که اگر صحایف روزگار پر از تعریف خطش شود هنوز یکی از هزار در حیز تحریر نیامده باشد.» «مزیت نهادن خوشنویس دیگر بر او شرط احتیاط نیست و دور از ذوق سلیم است.»

اما اینکه غالب تذکره نویسان و خط شناسان نخواسته اند یا نتوانسته اند که خط سلطانعلی را فروتر از آن میرعلی بدانند، ازین روست که طول عمر سلطانعلی و قربت و مکانت او در دربار سلطان حسین میرزا بایقرا و نزد میرعلی شیرنوائی که هر دو در ترویج و شاعه و معرفی خط وی بسیار مؤثر بوده اند و تقدم خوشنویسی سلطانعلی و اینکه وی پس از قریب يك قرن، تصرفاتی بدیع در اصول این خط کرده بود و مخصوصا اینکه میرعلی مدتی از زمان کودکی و جوانی را در دره سنین شیخوخت سلطانعلی گذرانیده است؛ معاصرین آن دو نخواسته اند محض برای احترام مقام و کبر سن سلطانعلی، آنچه حقیقت محض است؛ در باره میرعلی اظهار کنند.

توضیح این مطلب اینکه، هنگامی که شهرت سلطانعلی مشهدی سراسر خراسان و سایر ممالک اسلامی را فرا گرفته بود و او در دربار سلطان

حسین میرزا معزاً و محترماً می‌زیست و بکتابت مشغول بود و از مهربانی و عنایت میرعلی شیرنوائی برخوردار بود؛ میرعلی جوانی بود که هنوز معرفتی حاصل نکرده بود و میرعلی شیرنوائی در کتاب مجالس النقایس خود، ترجمه احوال او را با بی‌اعتنائی و حقارت چنین آورده است:

« ملا میرعلی هروی از کاتبان خوشنویس متعین هرات است و جوانی مقبول است... » و چون در عهد نوائی میرعلی جوانی بود و هنوز مقام مصاحبت ویرا نداشته است؛ ناچار از جانب میرعلی تعظیبی و تهنیتی از وی نشده است و این معنی را صاحب تذکره بی‌نام خوب دریافته که آورده است:

« ... الا که اگر چون دیگران زمان سعادت نشان [سلطان حسین میرزا] توفیق مشق یافتی [میرعلی] و پرتو التفات آن میرعالی صفت [میرعلی شیرنوائی] بروجنات احوالش تافتی، صیت خوشنویسان عالم را در طی نسیان آوردی. »

صاحب مناقب هنروران که یکی از واردترین کسان در احوال خط و خط نویسان و پیدا است که هنر میرعلی را سلطانعلی فزونی می‌نهاد و او را « نادره دوران » و « امیر خوشنویسان » خوانده است؛ در تذکره خود گوید: « اکثر خوشنویسان و هر خبیر و هنرور حسن خط و ممارست کتابت و قطعه نویسی مولانا میرعلی را بمشهدی ترجیح داده‌اند، علی‌الخصوص فزونی رعونت خط و متانت قلم وی را. اما چند خطاط نامدار و نقاد خوشنویس، قدم وجود و قبله‌الکتاب بودنش و حتی بعضی محکمی روش خط و لطافت مفردات او را سند قرار داده‌اند از میرمقدم و حتی میرزا شاگرد شاگرد سلطانعلی دانستند. » ولی مؤدبان به عقبه این دسته خرده گرفته بتعریض گفته است که « در زمان ما خریداران مرقعات و خطوط، یکی از قطعات میرزا پنج و شش هزار و قطعه دویستی سلطانعلی را نهایت چهارصد تا پانصد آقچه عثمانی خریدارند. » و گوید « نمیدانم این امر در اثر ترجیح صرف و رغبت طالبین خط میر است یا کمیابی خط او. » در حالیکه صاحب گلستان هنر درباره سلطانعلی گوید: « مرقع و قطعه و نسخه‌های ایشان در ربع مسکون منتشر است. » و هم اکنون پس از قرن‌ها هم با همه فراوانی خطوط سلطانعلی آثار بجای مانده میرعلی بمراتب افزون از خطوط سلطانعلی است.

با این مقدمات صاحب مناقب هنروران صریحاً خط میرعلی را بر خط سلطانعلی رجحان ننهاده است و گوید که « بنابت تحقیق بن هر يك از این دو استاد، سالک روش مخصوص و سلیقه جدا هستند و هر کدام در شیوه خود

خرش نو بس بزر گوارند .»

در باب انواع قلم نستعلیق هم هر يك از تذکره نويسان مزبور عقیده ای نسبت به میرعلی دارند :

صاحب تذکره بی نام گوید که در شیوه کتابت ، خفی او با ازجلی اوست و کتابت او با ازقطعه او و صاف و پخته و بامزه نوشته . «
صاحب تاریخ رشیدی گوید که « خفی را به ازجلی و کتابه را بهتر از قطعه می نویسد ... و جلی او بی تناسب و بی مزه است و درخفی و جلی او ملاحظت نیست ؛ اما در قوت دست مانند نداشته است .

صاحب ریحان نستعلیق گوید که « خط شریفش در صفا و نیزی جامع محسنات است خصوصاً در « قلم جلی » .

صاحب قواعد خطوط گوید که « در او ایل حال در بنده فاخره هرات در دارالانشاء حکام آنجا بکتابت احکام مشغولی تمام نمود . گویند است حکام خط مولانا از آن بهم رسیده و در آن وقت بغایت تیز و نازک و مقبول نوشته و در محل توقف بخارا پچاشنی و پختگی تمام و قبول مرقوم ساخته و تغییر روش سلطانلی نموده تصرفات تمام در آن طرز یادگار گذاشت . «
صاحب مرآة العالم نیز گوید که « از حدت فهم تغییر روش سلطانعلی کرد و دخلهای نمایان و تصرفات در آن روش نمود . «
بامطالعه عقاید مختلف مذکور و مذاقه در خطوط مختلف میرعلی ،

این نکات را دریافته ام : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اینکه گویند : « خفی را به ازجلی و کتابت را بهتر ازقطعه می کرده است » - کاملاً درست است که بهیچوجه نمیتوان خطوط خفی و کتابت ویرا ، با مشقهای درشت از دو دانگ بیالای او برابر دانست و انلام خفی از میراتب زیبا و شیواتر است .

اینکه صاحب ریحان نستعلیق گوید : « خط شریفش در صفا و تیزی جامع محسنات است ، خصوصاً در قلم جلی » - از یک جهت صحیح است که واقعاً قلم جلی میرعلی هم صاف است و هم تند است ؛ ولی جامع محسنات نیست و عاری از تناسب و ملاحظت است .

اینکه صاحب تذکره بی نام گوید : « صاف و پخته و بامزه نوشته » - در صافی خط وی سخنی نیست و قلم خفی او پخته است و بامزه ؛ ولی در قلم جلی او مزه نیست .

اینکه صاحب تاریخ رشیدی گوید : « جلی از بی تناسب و بی مزه است »

— رواست و اینکه گوید: «در خفی و جلی او ملاحظت نیست» — نیمه‌ای درست است، یعنی در جلی او ملاحظت نیست و در خفی او هست. و اینکه هم او گوید: «در قوت دست مانند نداشته» — البته تا ظهور او کسی بقوت دست او در خط نستعلیق نیامده بوده است.

اینکه صاحب قواعد خطوط گفته است که: در اوایل حال که در هرات می‌زیست «بغایت تیز و نازک و مقبول نوشته و در محل بخارا به پاشنی و پختگی تمام و قبول مرقوم ساخته و تغییر روش سلطانعلی کرده.» واقع اینست که خطوط میرعلی تا سال ۹۳۵ چه خفی و چه جلی، تیزی و نازکی دارد و خفی وی نیز مقبول است، ولی پختگی و موزونی خط وی بیشتر در آناری از اوست که در حدود سال ۹۳۵ تا آخر عمر نوشته است.

کتیبه نگاری ویرا که صاحب گلستان هنر و بعضی دیگر نقل کرده‌اند که در دارالسیاده آستان قدس رضوی آناری دارد، با آنکه دو بار زیارت آستان قدس رفته و جو بای آن شده‌ام ندیده‌ام و حکم آنرا بتوفیق زیارت بار دیگر موکول میکنم. باشد که هنوز این اثر بدیع بجای مانده باشد.

آنچه بطور خلاصه در باره مایه و پایه خط نستعلیق میرعلی هر وی توانم گفت اینکه: در جمله خطوط نستعلیق از بدو وضع آن تا زمان میرعلی، هیچ يك از خوش‌نویسان این خط، حتی سلطانعلی مشهدی را نمیتوان در برابر وی نهاد و اینکه صاحب گلستان هنر و بنقل او محمد طاهر نصر آبادی گفته‌اند که: «در رتبه هیچ میر بساطان نمی‌رسد.» واقعاً شعری گفته‌اند و کتابت را قریب نیم قرن بعد از میرعلی، یعنی ظهور میر عماد قزوینی، کسی پایه‌وی نرسانیده است؛ و در ظرف مدت یکصد و پنجاه سال که خط نستعلیق رایج گردیده بود، هیچگاه قوام و استواری و قاعده این خط بحدی که میرعلی آنرا ضبط کرده است نرسیده و بسیاری از خوش‌نویسان نستعلیق پس از میرعلی، وقتی خط آنها جودت و استواری یافته است که پیروی کامل از شیوه وی کرده‌اند را این حکم حتی در باره بزرگترین استاد خوش‌نویس نستعلیق، یعنی میر عماد نیز جاری است که شاید نیمه‌ای از دوران خوش‌نویسی خود را با پیروی از قواعد و مشق خط از خطوط میرعلی گذرانیده است و توضیح این مطلب در ترجمه احوال میر عماد خواهد آمد.

خطوط میرعلی دارای رقمهای متنوع متعدد است که نقل آنها برای اهل فن خالی از فایده نیست و عبارتست از:

علی ، فقیر علی ، میر علی ، علی کاتب ، علی سلطانی ، علی حسینی ،
 میر علی کاتب ، میر علی سلطانی ، علی حسینی کاتب ، علی مروی ، علی حسینی
 مروی ، فقیر میر علی ، فقیر علی کاتب ، علی کاتب حسینی ، علی حسینی کاتب ،
 علی کاتب السلطانی ، میر علی کاتب السلطانی .

بعلاوه صاحب گلستان هنر و بعضی از متأخرین گویند که در کتیبه آستان
 رضوی « خادم آل علی میر علی حسینی » نیز رقم کرده است ، که نماینده مذهب
 تشیع وی است و در نسخه‌ای که ذکر آن خواهد آمد در صدر کتاب بخط خود
 چنین نوشته است :

« من کلام امیر المومنین امام المتقین اسد الله الغالب علی بن ابی طالب
 علیه السلام . » و اینکه قاضی نور الله شوشتری گوید که « فرزندان میر علی هنوز
 در بخارا هستند و بعضی بهند افتادند و همگی عقیده فاسده اهل بخارا را دارند . »
 ظاهراً مقصود او اینست که اولاد میر علی مذهب تسنن دارند و در باب شخص
 میر علی گوید : « ... تا آخر عمر در بخارا به عذاب صحبت او [عبید خان از بك]
 و اولاد فاسد الاعتقاد او [عبدالعزیز خان و غیره] گرفتار بود . » مقصود او
 اینست که میر علی شیعی و اینان سنی بوده اند .

(دنباله دارد)